

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۶۳ تا ۱۸۸

سناریوهای فراروی بحران ژئوپلیتیک سوریه

قربانعلی قربانزاده سوار^۱، مهدی رحمتی^۲، غلامرضا سنجابی^۳، هاشم ناطقی^۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱

چکیده

بحران سوریه از بحران‌های ژئوپلیتیک محسوب می‌شود که کشورهای منطقه و غربی از مارس ۲۰۱۱ (اسفند ۱۳۸۹) با حمایت از نیروهای تندرو سلفی و اعزام آن‌ها به کشور سوریه، باعث تکوین آن شدند؛ اقدامی که باعث آوارگی میلیون‌ها سوری، تخریب زیرساخت‌های سوریه و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی، شده است. با ملاحظه روند کنونی بحران و پیشران‌های مرتبط با آینده‌های مطلوب و ممکن و محتمل، سناریوهای مختلف برای این بحران قابل ترسیم است. در تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تبیینی به کالبدشکافی این سناریوها پرداخته شد و یافته مقاله این شد که هر چند انتخابات ریاست جمهوری سوریه با مشروعیت‌افزایی به نظام حاکم بر سوریه، زمینه‌های افزایش قدرت و مقاومت آن نظام را در برابر گروه‌های معارض در سطح داخلی فراهم کرد اما ماهیت سیال بحران سوریه در معرض عوامل ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی نیز می‌باشد و مجموعه عناصر سطوح سه‌گانه مزبور، بر سرنوشت این بحران در آینده تأثیر تعیین‌کننده دارند.

کلیدواژه‌ها: سوریه، بحران، سناریو، معارضین، مقاومت، انتخابات ریاست جمهوری،

قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)

۳ دانش‌آموخته دوره مدیریت فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی و مدرس دانشگاه

۴ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

بحران سوریه از مارس ۲۰۱۱ (اسفند ۱۳۸۹) آغاز و تاکنون ادامه یافته است. نظام سوریه می‌توانست مانند کشورهای دیگر منطقه سه راه‌کار را در دستور کار قرار دهد: «بشار اسد» یا مانند «زین‌العابدین بن‌علی» و «مبارک»، قدرت را به مخالفین واگذار می‌کرد، یا مانند «قذافی» به تقابل نظامی با معترضین می‌پرداخت و یا مانند رژیم بحرین با کمک کشورهای خارجی به سرکوب معترضین و انحراف جریان اعتراضی می‌پرداخت. اما شرایط متفاوت داخلی و خارجی سوریه با اقلیت‌های قومی^۲ و دینی^۳ ساختار خاص سیاسی و سیاست مقاومت^۴ در برابر محور سازش^۵ باعث گردید که تجربه کشورهای دیگر برای سوریه، قابلیت اجرا نداشته باشد.

نظام سوریه راه‌برد اصلاحات^۶ را پیمود و با تغییر برخی از مفاد قانون اساسی مانند رسمیت فعالیت احزاب، لغو شرایط اضطراری، آزادی مطبوعات و ...، برای بازگشت اوضاع به شرایط عادی کوشید. ورود تروریست‌ها از ۴۰ کشور جهان به سوریه بر دامنه بحران افزود و اعتراض مردمی را به سمت جنگ داخلی سوق داد. نظام سوریه که در این شرایط از لحاظ نظامی و سیاسی تحت فشار قرار داشت، با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در تابستان ۱۳۹۳ هر گونه اقدام دیگر را رد کرد و بر راه‌برد اصلاحات تأکید نمود. در نوشتار حاضر، سناریوهای متعدد در قبال آینده بحران سوریه پس از انتخابات مزبور، بررسی و امکان‌سنجی می‌شود. بنابراین مهم‌ترین سؤال این است که «سناریوهای فراروی بحران سوریه چیست؟» فرضیه پژوهش در پاسخ این است که «سناریوهای فراروی بحران سوریه بر طیفی از سناریوها شامل مطلوب تا ممکن و محتمل، قابل ترسیم

^۱-Crisis of Syria

^۲- Ethnic minority

^۳- Religious minority

4 - Resistance

5 - Compromise

6 - Reform

است و بقای نظام این کشور مشروط به تداوم حمایت مردم سوریه و حامیان منطقه‌ای و جهانی سوریه است.»

ضرورت پژوهش

کشور سوریه دارای موقعیت راهبردی در منطقه است و مسئله فلسطین و محور مقاومت در این منطقه باعث جایگاه ژئوپلیتیک سوریه برای کشورهای مختلف شده است. بنابراین از ابتدای شروع بحران سوریه، تحولات این کشور به صورت مستمر از سوی کشورهای منطقه و جهان، رصد می‌شود و با عنایت به قرابت مواضع جمهوری اسلامی ایران و سوریه در محور مقاومت، مطالعه وضعیت بحران سوریه، ضرورت مضاعف دارد.

روش تحقیق

روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. مراحل پژوهش حاضر به اختصار، به این شرح است: الف: جمع-آوری داده‌ها؛ ب: طبقه‌بندی داده‌ها؛ ج: تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ د: تدوین و نگارش.

ادبیات موضوع

در خصوص بحران سوریه مطالب مختلفی به رشته تحریر درآمده است؛ ولی در خصوص سناریوهای فراروی آن در پرتو انتخابات سوریه، اثر مستقل پژوهشی منتشر نشده است که رسالت تحقیق حاضر، تجزیه و تحلیل موضوع مزبور است.

گفتار اول؛ آغاز و اوج‌گیری بحران سوریه

۱-۱) موقعیت ژئوپلیتیک سوریه

«جمهوری عربی سوریه» با مساحت ۱۸۵/۱۸۰ کیلومتر مربع، هفتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت در جنوب غربی آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه است و از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از جنوب با اسرائیل و اردن و از غرب با لبنان و دریای مدیترانه، مرز مشترک دارد. کارشناسان سیاسی، به دلیل اهمیت فوق‌العاده سوریه در منطقه راهبردی خاورمیانه، این کشور را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان نامیده‌اند. (کتاب سبز سوریه،

جمعیت ۲۳ میلیون نفری سوریه از نظر ترکیب دینی ۷۲ درصد اهل تسنن، ۱۰ درصد مسیحی، ۲ درصد شیعه دوازده امامی - دمشق و بصری و روستاهای اطراف حمص و حلب -، ۱۲ درصد علوی - استان‌های لاذقیه، طرطوس، حمص و اطراف مصیاف -، حدود ۳ درصد دروزی - استان سویدا- و نزدیک به ۱ درصد اسماعیلی است. (امامی، ۱۳۸۸: ۲۵۶) از نظر جمعیت‌شناسی قومی ۹۰٪ درصد مردم سوریه عرب، ۹ درصد کُرد و ۱ درصد از سایر قومیت‌ها است. (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۶)

تاریخ سوریه از تلاقی اقوام و ادیان مختلف در این سرزمین حکایت دارد؛ زیرا مصری‌ها از ۱۵۰۰ ق.م و پس از آن فینیقی‌ها، آشوری‌ها، ایرانیان، یونانیان، مسیحیان و اعراب هر یک مدتی بر سوریه حکومت کردند. در سال ۱۵۱۶م (۸۹۵ ه.ش) امپراتوری عثمانی، سوریه را ضمیمه خود کرد که تا پایان جنگ جهانی اول ادامه یافت. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی، در مارس ۱۹۲۰م (اسفند ۱۲۹۸) سوریه به پادشاهی مستقل تبدیل شد. فرانسه در ژوئیه (دی) همان سال دمشق را اشغال کرد که در سال ۱۹۴۱م (۱۳۲۰)، نارضایتی سوری‌ها منجر به شورش علنی شد. با انتخابات دولت ملی در اوت ۱۹۴۳م (مرداد ۱۳۲۲) «شکری القوتلی» رئیس‌جمهور سوریه شد. در سال ۱۹۴۱م (۱۳۲۰) دو کشور انگلیس و فرانسه سوریه را اشغال کردند اما در سال ۱۹۴۵م (۱۳۲۴) فرانسویان و در سال ۱۹۴۶م (۱۳۲۵) انگلیسی‌ها از سوریه خارج شدند و استقلال کامل سوریه حاصل شد. (امامی، ۱۳۸۸: ۲۵۶)

با استقلال سوریه، فصل نوینی در تاریخ این کشور آغاز شد که با آشفتگی سیاسی و کودتاهای نظامی همراه بود. این وضعیت تداوم داشت تا در ۲۳ فوریه ۱۹۶۶م (۴ اسفند ۱۳۴۴)، افسران حزب بعث با کودتا، کابینه و شورای انقلاب را منحل و حکومت سوسیالیستی تشکیل دادند. در نوامبر ۱۹۷۰م (آبان ۱۳۴۹) «حافظ اسد» وزیر دفاع وقت با کودتای نظامی به قدرت رسید و تا ژوئن ۲۰۰۰م (خرداد ۱۳۷۹) که فوت کرد، قدرت را

در دست داشت. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۳۵) پس از فوت حافظ اسد، «بشار اسد» فرزند او که در لندن طبابت می‌کرد به قدرت رسید. سوریه در دوره اول ریاست‌جمهوری بشار اسد، آرام و باثبات بود، اما در دوره دوم، با بحران فراگیر مواجه شد که مهم‌ترین چالش سوریه در یک قرن اخیر است و دامنه آن به منطقه و جهان، گسترش یافت.

۲-۱) آغاز بحران با درخواست‌های اصلاحی در درون نظام

سوریه آخرین کشور از زنجیره کشورهای عربی بود که ناآرامی مردمی را تجربه کرد. با وجود آن‌که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در سایر کشورهای منطقه، هماهنگی تظاهرات مخالفان را تسهیل می‌کرد اما چندین فراخوان مشابه در سوریه نتوانست نقشی در شروع ناآرامی‌های آن کشور داشته باشد؛ در بزرگ‌ترین فراخوان تظاهرات در روز «خشم» در ۱۴ بهمن ۱۳۸۹ گزارش تأیید نشده از ناآرامی کوچک در مناطق گردنشین به گوش رسید ولی میدان محل قرار تجمع، مانند روزهای قبل، آرام بود. (ظهوریان، ۱۳۹۰/۳/۱۱: ۱۳۶۷۲۲)

در شرایطی که تحلیل‌گران، سوریه را آستان تحولات نمی‌دیدند، در اسفند ۱۳۸۹ شهر کوچک درعا در جنوب سوریه مبدأ ناآرامی کشور شد. جرقه جنبش با دستگیری چند نوجوان که شعارهایی روی دیوارهای شهر در تأیید لزوم اصلاحات نوشته بودند، زده شد. (نیاکوئی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) پس از دستگیری این افراد و تجمع خانواده‌های آن‌ها در اطراف محل بازداشت آن‌ها، تجمعات اعتراضی شکل گرفت و پس از آن چندین شهر از جمله ادلب، لاذقیه، حماه، حمص و برخی از نواحی پیرامونی دمشق شاهد ناآرامی با هدف اصلاحات سیاسی و فضای بازسیاسی و انتخابات آزاد بود.

در شرایطی که نظام سوریه خواهان گفتگو با مخالفان برای شنیدن صدای اعتراض و انجام اصلاحات مورد نظر آن‌ها بود، در طول تابستان سال ۱۳۹۰ گروه‌های مخالف سیاسی با حمایت قدرت‌های خارجی به توافقی‌هایی دست یافتند. گروه‌های مخالف در هدف براندازی نظام، اشتراک نظر داشتند ولی در شیوه مبارزه مسلحانه یا اعتراضی، اختلاف

۱ Political Reform

۲ Political Openness

داشتند. (Joya, 2012: 32) تردید مخالفان در ماه‌های اول بحران بود و پس از آن، شیوه اقدام مسلحانه را برگزیدند.

نظام سوریه به دنبال این بود که با تغییر در قانون اساسی و اصلاحات سیاسی به خواسته مردم، جامه عمل بپوشد. اما اقدامات اصلاحی مانند صدور شناسنامه برای کردهای منطقه «الحسکه»، خروج دولت از انحصار حزب بعث، تشکیل احزاب مختلف، مشارکت احزاب در قدرت سیاسی، اعطای آزادی بیان و مطبوعات و محدودیت مدت ریاست جمهوری برای حداکثر دو دوره هفت ساله با تأیید ۹۰ درصدی مردم در همه‌پرسی اسفند ۱۳۹۰، تغییری در نوع مبارزه ایجاد نکرد (العربی، ۱۶/۰۲/۲۰۱۲: ۵۷۸۶۸۴) و اصلاحات بر کاهش ناآرامی‌ها تأثیر نداشت؛ زیرا مخالفین، مبارزه مسلحانه را تنها راه مبارزه علیه نظام برای ساقط کردن آن می‌دانستند. بنابراین اصلاحات و مبارزه از درون نظام نتوانست تغییری در نوع مبارزه بدهد و سوریه به عرصه جنگ نیابتی کشیده شد و نظام آن در مقابل گروه‌های تروریستی قرار گرفت که به نیابت از محور عربی- غربی- ترکی به سوریه گسیل شده بودند. در محدوده زمانی شروع تحولات در اسفند ۱۳۸۹ تا اصلاحات سیاسی نظام در اسفند ۱۳۹۰ دولت برای کاستن اعتراضات مردمی از راه اصلاحات کوشید و مخالفان برای ایجاد جبهه متحد، تلاش کردند.

۳-۱) اوج‌گیری بحران و اطمینان مخالفان به تغییر نظام

دومین مرحله از تحولات سوریه در بازه زمانی فروردین تا اسفند ۹۱ با تشکیل ارتش آزاد توسط «ریاض الاسعد» سرهنگ فراری سوری در ترکیه شروع شد و تا ورود نیروهای حزب ... به عرصه تحولات میدانی سوریه ادامه یافت که مخالفین با اطمینان از شکست‌پذیری نظام، به دوران پس از اسد و بدیل نظام حاکم می‌اندیشیدند.

گروه‌های مسلح حتی قبل از تشکیل ارتش آزاد نیز در حال جنگ با نظام سوریه بودند اما با تأسیس ارتش آزاد از فروردین ۹۱، بدیلی برای ارتش سوریه ایجاد شد. با ورود برخی افسران ناراضی به ارتش آزاد به نظر رسید که سناریوی لیبی در سوریه تکرار شود و

نظام این کشور در زمان کوتاه سقوط کند. هر چند تعداد فراریان ارتش سوریه به حدی نبود که در کوتاه‌مدت، چالش اساسی برای کشور ایجاد کند، اما تشکیل ارتش آزاد سوریه فرض بیگانه بودن معارضین مسلح را به چالش کشید.

مخالفان علاوه بر ارتش در عرصه سیاسی سعی کردند با اقدامات هماهنگ، به نظام سوریه فشار وارد کنند. بر همین اساس در اردیبهشت ۹۱ «برهان غلیون» به عنوان رئیس «شورای ملی سوریه» انتخاب و خواستار شناسایی شورا توسط کشورهای مختلف به عنوان حکومت قانونی سوریه شد. «عبدالباسط صیدا» از معارضین کُرد در خرداد ۹۱ رئیس «مجلس ملی سوریه» یکی از تشکل‌های سیاسی مخالف شد. در این شرایط که نظام به وحدت سیاسی نیاز داشت، «ریاض حجاب»، نخست‌وزیر سوریه از نظام جدا شد و به اردن فرار کرد. در این وضعیت، رسانه‌ها با بیان شایعاتی همچون قتل یا پناهندگی بشار اسد سعی کردند که سقوط نظام را القا کنند. (Guardian: 2012) کوفی عنان، نماینده سازمان ملل در بحران سوریه نیز به دلیل ناکامی، مأموریت خود را «مأموریت غیرممکن» نامید و استعفا داد و «اخضر ابراهیمی» جانشین او شد.

در عرصه تحولات میدانی نیز اوضاع برای سوریه مساعد نبود؛ زیرا در تیر ۹۱ با انفجار بمب در مقر امنیت ملی در دمشق، برخی از سران کشور از جمله «آصف شوکت»، مسئول امنیت ملی و اعضای سرویس‌های امنیتی کشته شدند. (Zisser, 2013: 59) این مشکلات در حالی اتفاق افتاد که برخی مناطق سوریه در استان‌هایی چون دیرالزور، الرقه، حمص و ادلب در اختیار معارضین قرار گرفت. دامنه نفوذ معارضین در این مرحله به حدی بود که حتی دمشق، پایتخت سوریه در معرض حملات خمپاره قرار گرفت.

مخالفین خارج‌نشین در وضعیت مزبور دو هدف را در دستور کار قرار دادند: اول کسب مشروعیت بین‌المللی و دوم رسیدن به اجماع نظر. گروه‌های معارض با همکاری کشورهای مخالف نظام سوریه در اجلاس مخالفین در اردیبهشت ۹۱، ساختار واحدی را

تحت عنوان «ائتلاف ملی معارضین» تعریف کردند و تشکیلات سیاسی برای خود ایجاد کردند. با این اقدام، بیش از ۱۲۰ کشور، ساختار جدید را به ریاست معاذ الخطیب به عنوان نماینده رسمی سوریه به رسمیت شناختند. (Dickinson, 2012/11/04) معاذ الخطیب که روزگاری امام جماعت مسجد اموی در حمص بود، ساختار ائتلاف را بر اساس رئیس، معاون رئیس، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و شورایی با ۱۱۴ نماینده تنظیم و تصویب کرد. (AlArabiya: 2012/10/23) تشکیل ساختار واحد و رسمیت آن، نشان‌دهنده این بود که ائتلاف قصد دارد تشکیلات خود را دولت قانونی سوریه و «دولت در تبعید»^۱ بنامد. همانند زمان جنگ جهانی دوم که «ژنرال دوگل» به عنوان رئیس‌جمهور قانونی فرانسه بر اثر حمله آلمان‌ها، به انگلیس رفت و دولت خود را دولت در تبعید نامید.

مشخصه اصلی این مرحله، باور مخالفین به سقوط نظام سوریه و بدیل‌سازی برای دوران پس از بشار اسد بود. این باور به دو دلیل ایجاد شد: اول، پیشروی معارضین مسلح در عرصه تحولات میدانی و گرفتن برخی نقاط حساس امنیتی و اقتصادی و دوم، تلاش مخالفین برای کسب مشروعیت بین‌المللی و رسیدن به اجماع نظر برای پس از اسد.

۴-۱) تثبیت اسد و تلاش برای توافق با نظام

سومین دوره زمانی تحولات سوریه، محدوده زمانی ورود نیروهای حزب ... به عرصه تحولات میدانی از اواخر پاییز ۱۳۹۱ تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۹۳ است که مشخصه آن، تثبیت نظام سوریه است. در این دوره در جبهه مخالفین نظام، درباره فایده‌بخشی هزینه‌ها برای سقوط نظام سوریه اختلاف ایجاد شد.

ائتلاف ملی معارضین در اواخر پاییز ۱۳۹۱ با مشکل شکاف داخلی مواجه شد اما عامل مهم در تغییر معادلات، ورود نیروهای حزب ... لبنان در بهمن ۱۳۹۱ به عرصه تحولات میدانی سوریه بود. در ابتدا نیروهای مقاومت تحت عنوان مدافعان حرم و برای دفاع از بارگاه مقدس حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) در اطراف دمشق مستقر شدند. البته هدف حزب ...، جلوگیری از حمله نیروهای معارض به مناطق شیعه‌نشین لبنان

^۱ Government in Exile

بود. (Sullivan, 2014: 28) ورود حزب ا... در گام اول، از پیشروی معارضین مسلح، جلوگیری به عمل آورد و در گام بعدی، با آزادی شهر راهبردی «القصیر» در خرداد ۹۲، ابتکار عمل را در عرصه تحولات میدانی از دست تروریست‌ها خارج ساخت. اگر منطقه راهبردی القصیر در سیطره معارضین مسلح قرار می‌گرفت سوریه و دمشق به دو قسمت تقسیم می‌شد و ارتباط تروریست‌ها با طرابلس در شمال لبنان برقرار می‌گشت. این پیروزی امکان نقل و انتقال نیروهای ارتش سوریه بین دمشق با مناطق ساحلی مدیترانه را فراهم آورد. (عبداللهیان، ۱۳۹۲: ۲۰۲)

این پیروزی راهبردی که موفقیت‌هایی را در عرصه نظامی برای نظام سوریه داشت، در عرصه سیاسی نیز تغییراتی را ایجاد کرد؛ زیرا چند هفته بعد از آزادسازی القصیر، «حمدین-خلیفه آل‌ثانی» از مقام خود استعفا داد و پسر او «تمیم آل‌ثانی» امیر قطر شد. این انتقال یک انتقال معنادار بود؛ زیرا پس از آن، پرونده سوریه از قطر به عربستان سعودی منتقل شد و امیر جدید، علاقه خود را برای گسترش روابط با سوریه اعلام کرد. انتقال پرونده به عربستان، تغییراتی را در ائتلاف ملی معارضین ایجاد کرد؛ زیرا در انتخابات تیر ۹۲، «احمد عاصی الجربا» که به سعودی‌ها گرایش داشت، با اختلاف چند رأی، رئیس جدید ائتلاف شد.

زمانی که در عرصه تحولات میدانی و سیاسی، نظام سوریه موفق شد، کشتار حدود ۱۳۰۰ شهروند سوری در منطقه «غوطه شرقی» بر اثر حمله شیمیایی، نظام سوریه را با چالش جدید مواجه کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پس از این حادثه، بدون ارائه سند متقن، نظام سوریه را عامل این اقدام معرفی و از طرح حمله نظامی به سوریه برای «دفاع از مردم بی‌دفاع»^۱ صحبت کرد. (Joya, 2012: 46)

حمله نظامی به سوریه، فرصتی برای تغییر حکومت بشار اسد محسوب می‌شد (Shmuel: 2103) اما ایالات متحده برای این اقدام به ائتلاف جهانی و اقناع افکار

^۱ Defending the Defenseless

عمومی داخلی نیاز داشت که در این راستا توفیق چندانی به دست نیاورد و پس از ارائه پیشنهاد روسیه در خصوص نابودی مرحله‌ای سلاح شیمیایی سوریه و موافقت نظام این کشور با کنترل سازمان ملل بر سلاح شیمیایی تا نابودی کامل آن‌ها، اوپاما تصمیم در مورد عملیات نظامی را در کنگره به تعویق انداخت. (عبداللهیان، ۱۳۹۲: ۲۰۶) بعداً توسط عوامل رسانه‌ای افشا شد که گاز شیمیایی را آمریکا به ترکیه داده و از سوی ترک‌ها به دست گروه‌های تروریستی رسیده است؛ یعنی آمریکا دنبال بهانه‌ای برای مداخله مستقیم در سوریه بود تا شکست تروریست‌ها را جبران کند ولی طرح روسیه و تصمیم سوریه جلوی آن را گرفت.

ویژگی شاخص دوره تثبیت، عدم اطمینان مخالفین از براندازی نظام است. از دیگر مشخصه‌های این دوره، تثبیت بیشتر موضع اقلیت‌ها در همگرایی با حکومت، تردید حامیان معارضین در نتیجه‌بخشی هزینه تلاش‌ها، تلاش برای ارتباط با حکومت سوریه از سوی مخالفین و اراده نظام سوریه برای عادی‌سازی بحران در این کشور است که جلوه این راهبرد در برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مشاهده می‌شود.

۱-۱) انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه

در فرایند بحران سوریه، انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در خرداد ۱۳۹۳ اهمیت ویژه دارد. پس از بحث‌های فراوان در خصوص برگزاری یا عدم برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، سرانجام این انتخابات در روز سیزدهم خرداد ۱۳۹۳ با حضور ناظران خارجی و تأیید سلامت انتخابات از سوی آن‌ها برگزار و از میان ۱۵ میلیون و ۸۴۰ هزار و ۵۷۵ نفر واجد شرایط رأی دادن، ۱۱ میلیون و ۶۳۴ هزار و ۴۱۲ نفر به پای صندوق رأی رفتند که این میزان، نشان از مشارکت ۷۳ درصدی مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه دارد. البته مشارکت مردم سوریه در انتخابات ریاست‌جمهوری در خارج از این کشور ۹۵ درصد اعلام شد. (النجار، ۱۴۳۵/۷/۵: ۲۹۱۸۴۳)

مشارکت مردم به نحوی بود که زمان انتخابات در سوریه تا ساعت ۲۴ روز انتخابات تمدید شد و در سفارتخانه سوریه در لبنان به مدت یک روز و در برخی دیگر از

سفارتخانه‌ها برای چند ساعت تمدید گردید. (Syria, 2014: 141303) در این انتخابات «بشار اسد» با تعداد ۱۰ میلیون و ۳۱۹ هزار و ۷۲۳ رأی و ۸۸ درصد آراء- در مقابل ۵۰۰ هزار و ۲۷۹ رأی «حسان النوری» و ۳۷۲ هزار و ۳۰۱ رأی «ماهر عبدالحفیظ حجار»، برای هفت سال به ریاست‌جمهوری سوریه برگزیده شد. (العالم، ۱۴/۳/۱۳۹۳: ۲۳۶)

انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال، نقطه عطفی در بحران سوریه است؛ زیرا انتخابات در شرایطی برگزار شد که مخالفان نظام سوریه با تبلیغات وسیع به دنبال القای ناتوانی نظام در برگزاری انتخابات بوده و سعی کردند نشان دهند که بشار اسد از محبوبیت کافی در سوریه برخوردار نیست. برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در موعد مقرر نشان از اراده نظام برای پایان بحران داشت و پیروزی اسد نشان داد که او از محبوبیت بالا در کشور برخوردار است. مشارکت بالای مردم نیز مشروعیت دوباره به حکومت سوریه داد. بنابراین انتخابات ریاست‌جمهوری ضمن مشروعیت‌افزایی نظام، به همگرایی بیشتر میان مردم و نظام انجامید و دولت‌مردان سوری را به ادامه مبارزه علیه معارضین ترغیب کرد.

گفتار دوم: آینده بحران سوریه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری پس از تشدید درگیری‌ها و امید مخالفان به براندازی نظام از راه تقابل نظامی، مجموعه تحولات بعدی نشان داد که حکومت سوریه به راحتی و با دخالت عوامل بیگانه قابل براندازی نیست. انسجام در ساختار نظام و همراهی مردم با نظام در کنار اختلاف مخالفین در دو جبهه نظامی و سیاسی باعث گردید تا به احتمالات دیگر در مورد آینده بحران سوریه توجه شود که چند سناریو قابل پیش‌بینی است. سناریوهایی که هر چند تحقق برخی از آن‌ها با ابهام روبرو است اما در این تحقیق به عنوان سناریوی احتمالی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲) تجزیه سوریه^۱

تجزیه سوریه یکی از سناریوهای احتمالی است. طرح تجزیه این کشور در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) از سوی آمریکا بر اساس طرح «خاورمیانه بزرگ» مطرح شد اما آنچه در شرایط کنونی از آن یاد می‌شود تجزیه سوریه به سه کشور شامل قلمرو کردها، مناطق اشغالی

^۱ The Dissolution of Syria

تروریست‌ها و بقیه سوری‌هاست. فارغ از مسائل قومی و دینی و حمایت‌های غرب که زمینه تجزیه سوریه را فراهم می‌کند واقعیات میدانی گویای این است که موضوع تجزیه سوریه باید مورد توجه قرار بگیرد. بر اساس نقشه تحولات سوریه، این کشور در حال حاضر زمینه تبدیل به سه ناحیه تحت تصرف کردها، معارضین و نظام را دارد.

۱-۱-۲) زمینه‌های تجزیه مناطق کردنشین

هر چند جرقه جدایی مناطق کردنشین توسط حزب «اتحاد دموکراتیک» از جریان‌های وابسته به پ.ک.ک پس از تصرف شهر «سرکانی» زده شد و «صالح مسلم» رهبر حزب اتحاد دموکراتیک مدعی شد تصرف این شهر نه یک هدف کوتاه‌مدت بلکه یک هدف راهبردی است؛ (بهرامی، ۲۰/۵/۹۲: ۲۱۳۰) ولی این حزب در عرصه عمل، هیچ رفتار تجزیه‌طلبانه‌ای انجام نداد و این مسئله تنها به بخشی از گروه‌ها و حزب‌های کوچک کردی محدود شد. کردها به واسطه برخورداری از برخی مؤلفه‌ها داعیه استقلال داشته و در شرایط کنونی برخی بر این باورند که در صورت تجزیه سوریه، یکی از مناطقی که از حکومت مرکزی جدا می‌شود کردها هستند. عوامل زیر، فرضیه جدایی کردها را تقویت می‌کند:

- اکنون شهرهای «القامشلی»، «الحسکه» و «کوبانی» به صورت مشترک توسط نیروهای مردمی کرد و ارتش سوریه اداره می‌شود.

- میان کردها وحدت قومی وجود دارد. (Jenkins, 2014: 17)

- کردهای سوریه از حمایت کردهای عراق برخوردار هستند.

این عوامل نشان می‌دهد کردها از ظرفیت جدایی از حکومت مرکزی برخوردار هستند. فرضیه‌های زیر در تضاد با فرضیات بالا معتقد است که استقلال مناطق کردنشین به راحتی تحقق نخواهد یافت:

- کردها در چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه پراکنده شده‌اند که تجزیه‌طلبی

آن‌ها باعث وحدت این کشورها برای عدم تشکیل کشور مستقل کردستان خواهد شد.

- در رهبران کرد سوریه اتحاد لازم برای استقلال وجود ندارد؛ زیرا برخی بر همگرایی با دولت مرکزی و برخی بر اتحاد کردها تأکید دارند.

- پس از حمله داعش به مناطق کردنشین، در شرایط کنونی مهم‌ترین هدف، اخراج متجاوزانه استقلال است.

۲-۱-۲) زمینه‌های تجزیه مناطق تحت اشغال تروریست‌ها

نگاهی به نقشه تحولات میدانی در سوریه حاکی از این است که مناطقی از حلب، دیرالزور و الرقه و برخی مناطق دیگر در اشغال معارضین مسلح است. اعلام خلافت، اجرای احکام و تشکیل برخی ساختارهای حکومتی و سیاسی نشان می‌دهد که مخالفین در این مناطق به دنبال ثبات و ادامه تعرض به سایر مناطق هستند. برخی دلایل، تجزیه مناطق اشغالی از حکومت مرکزی را تقویت می‌کند:

- در اختیار داشتن مناطقی پیوسته از ریف حلب تا برخی مناطق داخلی در عراق که باعث هویتی خودساخته برای گروه تکفیری داعش به عنوان تأثیرگذارترین گروه در سوریه می‌شود.

- معارضین مسلح در سوریه با فروش نفت این کشور و دریافت کمک مالی از خارج، توانسته‌اند منابع اقتصادی قوی را به منظور تحقق اهداف خود به دست بیاورند.

- اقدامات ضدبشری در مناطق تحت تصرف معارضین، در کنار تلاش نظام و مردم برای مقابله با پیشروی آن‌ها، این گروه قادر به پیشرفت بیشتر نیست، بنابراین با تلاش برای تثبیت موقعیت کنونی، امکان جدایی مناطق اشغالی وجود دارد.

دلایل زیر بر عدم امکان تحقق سناریوی تجزیه مناطق تحت اشغال تأکید دارد:

- گروه‌های تروریستی و تکفیری در مناطق اشغالی از مشروعیت مردمی برخوردار نیستند.

- با توجه به برتری ارتش سوریه، باید منتظر آزادسازی مناطق اشغالی بود.

- با توجه به جنایات نیروهای معارض، کمتر کشوری حاضر است این گروه را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت بشناسد.

- اختلاف معارضین در مناطق اشغالی، زمینه شکست و عدم استقلال آنها را فراهم خواهد کرد.

- تشکیل ائتلاف چهارگانه متشکل از کشورهای ایران، روسیه، سوریه و عراق و افزایش حملات هوایی روسیه علیه تروریست‌ها در سوریه زمینه کاهش قدرت این گروه‌ها را فراهم کرده است.

۳-۱-۲) توان و قدرت دولت مرکزی

بدیهی است دولت مرکزی با هر گونه طرح یا عملی در ارتباط با تجزیه این کشور مخالف است. تجزیه سوریه نه تنها باعث کاهش عمق راهبردی این کشور می‌شود، بلکه برخی نقاط حساس راهبردی را از اختیار نظام حاکم خارج می‌سازد. با وجود این، دلایل زیر دیدگاه تجزیه سوریه را از این منظر تقویت می‌کند:

- تقویت معارضین توسط کشورهای بیگانه و تلاش برای ایجاد موازنه میان معارضین و نظام سوریه.

- پیوستن اعضای جدیدی از خارج سوریه به گروه‌های معارض.

به نظر می‌رسد در صورت عملی شدن سناریوی تجزیه سوریه، مناطق دمشق، ادلب تا ساحل لاذقیه در اختیار دولت مرکزی قرار بگیرد. البته عوامل زیر، تجزیه سوریه را تضعیف و شرایط را برای طرفداران تجزیه سوریه سخت می‌کند:

- برتری نظام سوریه در عرصه تحولات میدانی.

- عدم همراهی اکثر جامعه با تجزیه سوریه.

- تلاش نظام برای پایان بحران.

- اتحاد رهبران سوریه در خصوص جلوگیری از تجزیه کشور.

- سرانجام، حامیان سوریه مانند روسیه و ایران و حزب... لبنان، اجازه تجزیه سوریه

را نمی‌دهند.

۲-۲) تسلط مخالفین مسلح

دومین پیش‌بینی از بحران سوریه، سناریوی تسلط مخالفین مسلح و اشغال تمام سرزمین سوریه است. با وجود اینکه گروه‌های تندرو مسلح طیف وسیعی از دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، جبهه النصره، احرار الشام، گردان التوحید و ... را شامل می‌شود؛ ولی در شرایط کنونی بیشتر توجهات معطوف به گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و گروه تکفیری جیش الفتح است. در این سناریو یعنی پیروزی مخالفین مسلح این‌گونه فرض می‌شود که به خاطر مؤلفه‌هایی که گروه‌های تندرو مخصوصاً داعش از آن برخوردار است همچون حملات چریکی، جو ارباب، پشتیبانی عملیاتی در سطح وسیع و ایجاد تقدس برای اهداف تعیین شده، این گروه با از بین بردن زیرساخت‌های سوریه بتواند بر نظام این کشور فائق آید و تمام نواحی این کشور را به اشغال خود درآورد. (England, 2014: 69)

- دلایل زیر، فرضیه اشغال تمام مناطق سوریه توسط معارضین مسلح را تقویت می‌کند:
- استفاده از ظرفیت رسانه‌ای همچون بهره‌گیری داعش از فضای مجازی برای ایجاد تضعیف روحیه طرف مقابل.
 - دسترسی گروه‌های معارض به منابع نفتی سوریه و تقویت توانمندی‌های اقتصادی.
 - پایه‌های به ظاهر مقدس و ایدئولوژیک.
 - مرز مشترک با ترکیه و حمایت این کشور از گروه‌های معارض.
 - حمایت مالی و تسلیحاتی غرب و برخی کشورهای منطقه از گروه‌های معارض.
- هر چند به نظر نمی‌رسد تصرف و یا اشغال سوریه توسط گروه‌های مسلح تندرو امری محتمل باشد، ولی این فرضیه از نظر درون‌گروهی یعنی نگاه معارضین مسلح، کارایی دارد. عوامل زیر باعث تضعیف فرضیه تسلط معارضین خواهد شد:
- عدم شناسایی دولت اسلامی عراق و شام توسط کشورهای جهان.
 - عدم همراهی مردم با حکومت تندرو.
 - وجود اختلاف فراوان میان معارضین.

- فشار افکار عمومی جهانی برای مقابله با داعش.
- درگیری نیروهای داعش در جبهه‌های مختلف و تضعیف آن‌ها.
- بیگانه بودن ماهیت اعضای داعش و تضعیف روحیه آن‌ها در جنگ خارجی.
- شکست مکرر آن‌ها در عراق یا کوبانی و موفقیت ارتش سوریه در قلمون، ریف دمشق و دیگر مناطق و محاصره کامل حلب، و تضعیف روحیه تروریست‌ها.

۲-۳) تشکیل دولت ائتلافی

یکی از سناریوها در خصوص پایان بحران سوریه که در جریان نشست بین‌المللی ژنو (۱) مطرح شد، تشکیل دولت ائتلافی است. ایده تشکیل دولت ائتلافی از سوی روسیه مطرح شد، اما برخی بر این باورند که غرب نیز با تشکیل چنین دولتی در سوریه موافق است، اما برخی اختلاف‌ها در خصوص نحوه اجرای آن میان روسیه و آمریکا و میان مخالفین و نظام سوریه باعث شد کمتر به این ایده توجه شود.

از نظر روسیه دولت ائتلافی، دولتی است که همه طرف‌های درگیر در بحران سوریه در آن حضور داشته و به تقسیم قدرت پردازند. در طرح پیشنهادی روسیه، خروج اسد از قدرت به واسطه انتخابات نه از راه توافق خارجی پیش‌بینی شده بود (Janssen, 2013: 11) اما از نظر مخالفین نظام اسد، بشار نمی‌تواند جزئی از راه حل باشد بلکه او جزئی از بحران است، پس نمی‌تواند در دولت ائتلافی باشد. (Chatham, 2013: 208223) این اختلاف به نحو دیگری نیز بروز کرد، زیرا مخالفین نظام سوریه بر این باور بودند که تحت هیچ شرایطی حاضر به کوتاه آمدن با نظام فعلی نبوده و از طرف دیگر بشار اسد با تأکید بر مشروعیت حکومت خود، هر نوع تغییر را منوط به خواست مردم از راه انتخابات می‌دانست. در شرایط کنونی فرضیه تشکیل دولت ائتلافی به صورت کم‌رنگ پیگیری می‌شود؛ زیرا انتخابات حاکی از تأیید مشروعیت بشار اسد در سوریه است. شاخص‌های زیر سناریوی تشکیل دولت ائتلافی در سوریه را تقویت می‌کند:

- تعامل احتمالی روسیه و جبهه غربی در موضوعات دیگر.
- عدم نتیجه‌بخشی سایر راهکارها و تلاش برای پایان بحران سوریه.

- باور مخالفین به این که قادر نخواهند بود اسد را از راه نظامی حذف کنند.
- مواجه شدن نظام سوریه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و تلاش برای کنار آمدن با مخالفین.
- ورود بحران سوریه به مرحله‌ای که در آن دو طرف بدانند در کوتاه‌مدت به خواسته خود نخواهند رسید.
- طرح تشکیل دولت ائتلافی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری به حاشیه رفت و اکنون امید چندانی به تحقق آن وجود ندارد. البته توجه به عوامل زیر گویای کاهش احتمال تحقق دولت ائتلافی در سوریه است:
- اثبات مشروعیت نظام از راه انتخابات ریاست‌جمهوری.
- اختلاف در خصوص چگونگی تشکیل دولت ائتلافی.
- متغیرهای تأثیرگذار مخالف همچون گروه‌های معارض مسلح.
- عدم مشروعیت دولت ائتلافی به علت تحمیلی بودن آن.
- یکدست‌تر شدن ماهیت گروه‌های تروریستی و کاهش زمینه مذاکره و تشکیل حکومت انتقالی.
- تغییر راهبرد روسیه و تلاش برای دخالت نظامی در سوریه.

۴-۲) تسلط ائتلاف ملی معارضین

چهارمین سناریو، ائتلاف ملی معارضین است که در آبان ۱۳۹۱ با هدف وحدت مخالفان نظام سوریه تشکیل شد. (Goodarzi, 2013: 38) این ائتلاف از گروه‌های مختلف «شورای ملی سوریه»، «کمیته هماهنگی ملی»، «گروه اعلامیه دمشق»، «انجمن استانبول» و برخی از فعالان کرد، اخوان‌المسلمین و لیبرال مخالف نظام بشار اسد، به ریاست احمد عاصی الجربا مدعی حکومت در سوریه تشکیل یافته است. (Janssen, 2013: 11)

ائتلاف ملی معارضین که خود را طرفدار مردم سوریه معرفی کرده است و اکنون جایگاه چندانی در تحولات نظامی و سیاسی سوریه ندارد، هدف نمادین خود را «رساندن صدای ملت سوریه به گوش جهانیان» و هدف عملی خود را سرنگونی دولت اسد، از بین

بردن ساختار امنیتی، رفع مشکلات اقتصادی سوریه، گسترش مناسبات و توسعه مبانی سکولار اعلام کرده است. (Foreign Affairs, 13/11/2012) این ائتلاف دارای ساختار حکومتی و نیروی نظامی تحت عنوان ارتش آزاد است.

این ائتلاف بر این باور است که مؤلفه‌های زیر ادعاهای آن‌ها را در خصوص برتری بر نظام سوریه و در اختیار گرفتن حکومت تقویت می‌کند:

- به رسمیت شناختن ائتلاف توسط کشورهای مخالف نظام سوریه.
- حمایت مالی و تجهیزاتی غرب و کشورهای منطقه.
- ساختار تشکیلاتی در دو عرصه سیاسی و نظامی.
- حضور احزاب و گروه‌های مختلف از اقلیت‌های سوری در درون ائتلاف.
- بنابراین یکی از سناریوها در خصوص آینده بحران سوریه، تشکیل دولت توسط ائتلاف ملی معارضین است که این سناریو مورد حمایت ترکیه و قطر است. اما دلایل زیر فرضیه حکومت توسط ائتلاف ملی معارضین را به چالش می‌کشد:
- اختلاف رهبران ائتلاف به دلیل گرایش‌های خارجی آن‌ها.
- عدم مقبولیت مردمی در داخل سوریه.
- هزینه بالای ائتلاف و کاهش حمایت از این جریان.
- فساد مالی در ائتلاف.
- تضعیف ارتش آزاد به عنوان شاخه نظامی رسمی ائتلاف.
- عدم انجام اقدام خاص از سوی ائتلاف برای کاهش مشکلات مردم.

۵-۲) تسلط اخوان المسلمین سوریه

پیروزی و تسلط اخوانی‌ها در سوریه از سناریوهای محتمل در خصوص آینده این بحران است. نگاهی به تاریخ اخوان المسلمین سوریه حاکی از این نکته است که این جنبش از ابتدای تشکیل تا کنون پنج مرحله را پشت سر گذاشته است: مرحله اول در سال ۱۹۳۷م (۱۳۱۶) با پیدایش آن شکل گرفت که اخوان خواستار رهایی کشورهای اسلامی از یوغ استکبار بود. در مرحله دوم در سال ۱۹۴۶م (۱۳۲۵) توجه خود را به تطبیق قوانین اسلامی

با شرایط زمان معطوف کردند. مرحله سوم در سال ۱۹۵۱م (۱۳۳۰) اخوان خواستار تشکیل قوانین اسلامی در جامعه شد. در مرحله چهارم یعنی سال ۱۹۷۶م (۱۳۵۵) آن‌ها خواستار ایفای نقش بیشتر در ساختار سیاسی جامعه شدند و در شرایط کنونی یعنی مرحله پنجم که از سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۹) تاکنون ادامه دارد، اخوان خواستار برکناری حکومت حافظ اسد و پس از آن بشار اسد و تأسیس حکومت اخوانی بر اساس ایده‌های «شیخ محمد ابونصر البینونی» شد. (دکمجیان، ۱۳۸۵: ۲۰۹)

با آغاز بحران سوریه، اخوانی‌ها سعی کردند تا از فرصت استفاده کنند و به خواسته خود جامه عمل بپوشانند. جمعیت اخوان سوریه در سه محور سیاسی در دمشق به رهبری «عصام عطار»، محور سنتی به رهبری «مروان حدید» در حمص و محور حلب به رهبری «شیخ عبدالفتاح ابو غدا» علیه نظام سوریه اقدامات مسلحانه و سیاسی انجام دادند و پس از آن این جریان برای اتحاد بیشتر زیر نظر «محمد ریاض خالد آل شقفه» با دیدگاهی تندروتر به اقدامات خود علیه نظام سوریه پرداختند. این جمعیت برای افزایش نفوذ خود روزنامه «العهد» را چاپ کرد تا بتواند میان طرفداران خود همبستگی ایجاد کند. (Becker, 2013)

(28)

اهل سنت سوریه از سه بخش تاریخی و خانوادگی تشکیل می‌شود که تجار ریشه‌دار عمدتاً در حلب و تکنوکرات‌ها در دمشق و مذهبی‌ها در مناطق میانی مانند حمص و حماه هستند. اخوان فقط در حمص و تا حدودی حماه نفوذ دارد. در حلب یک تظاهرات ضدنظام در پنج سال گذشته وجود نداشته و در دمشق هم تقریباً همین شرایط است. عمده تحرکات اخوان در حمص، حماه و ریف‌های استان‌ها و به ویژه روستاها و مناطق کمتر توسعه یافته است.

پیروزی مرسی در مصر و حمایت قطر باعث تقویت اخوان سوریه شد تا جایی که طرفداران اخوان سوریه بر این باور بودند که می‌توانند حکومت را تغییر و رهبران خود را بر اریکه قدرت بنشانند؛ امیدی که پس از برخی تغییرات کمرنگ شد. مؤلفه‌های زیر احتمال تسلط اخوان بر سوریه را تقویت می‌کند:

- اکثریت اهل تسنن در سوریه و گرایش بخشی از این جمعیت به سوی اخوان.
 - حمایت ترکیه از اخوان سوریه.
 - نفوذ بخشی از اخوان در میان ائتلاف ملی معارضین.
 - یکپارچگی قومیتی اهل تسنن در مناطق مختلف سوریه.
- یکی از پیش‌بینی‌های محتمل در آینده سوریه کسب قدرت توسط اخوانی‌ها است. البته در این خصوص این‌گونه تحلیل می‌شود که این جمعیت قصد دارد در وهله اول با همراهی سایر مخالفین، پروژه براندازی نظام سوریه را کلید زده و در مرحله بعد، قدرت را از راه انتخابات، در اختیار بگیرد. فرضیه تسلط اخوان‌المسلمین در سوریه به دلایل زیر تضعیف می‌شود:
- عدم وجود برنامه مشخص از سوی رهبران اخوان برای مقابله با نظام سوریه.
 - سابقه منفی اخوان در تشکیل حکومت.
 - عدم حمایت اقلیت‌های دینی و قومی از اخوان سوریه.
 - عدم موافقت ائتلاف ملی معارضین و گروه‌های مسلح با حکومت اخوان.
 - حمایت اندک کشورهای مخالف نظام سوریه از تشکیل حکومت توسط اخوان.

۶-۲) فرسایشی شدن بحران سوریه

از جمله سناریوهایی که از ابتدای بحران سوریه از آن به عنوان زنگ خطر برای آینده این کشور و منطقه یاد می‌شود، فرسایشی شدن بحران است. بر اساس این سناریو به دلیل اینکه طرفین، توان حذف کامل دیگری را ندارند و حاضر به تعامل با یکدیگر در عرصه‌های سیاسی نیز نیستند، درگیری‌ها ادامه خواهد یافت. فرسایشی شدن بحران یکی از نامناسب‌ترین سناریوها برای مردم، نظام سوریه، مخالفان، منطقه و جهان است زیرا طرفین درگیر و حامیان آن‌ها به اهداف خود نخواهند رسید.

با توجه به وجود گروه‌های مختلف و وجود افکار سلفی، ملی‌گرا، سکولار و قومیت‌گرا به نظر می‌رسد در صورتی که نظام به پیروزی قاطع نرسد و یا گروه‌های مخالف به قدرت برسند، باید انتظار داشت که درگیری‌ها در سوریه میان گروه‌های مختلف ادامه

داشته باشد، به نحوی که در حالت خوش‌بینانه این درگیری‌ها به صورت منازعات دائمی سیاسی و در حالتی بدبینانه به صورت منازعات مسلحانه خود را نشان دهد. (دهقانی- فیروزآبادی، ۹۲: ۱۹) ادامه بحران سوریه نه تنها باعث تضعیف طرفین درگیر می‌شود، بلکه این کشور را با فاجعه انسانی مواجه می‌کند و ممکن است در آینده صحنه‌هایی از کشتار علیه بشریت و یا نسل‌کشی قومی را تشدید کند.

دلایل زیر، فرضیه فرسایشی شدن بحران در سوریه را تقویت می‌کند:

- کمک تسلیحاتی و مالی غرب و کشورهای منطقه به مخالفین و حفظ یکپارچگی و همراهی مردم سوریه با نظام این کشور.
- تلاش غرب برای تضعیف محورهای درگیر در سوریه در جهت تقویت امنیت رژیم صهیونیستی.
- ترکیب قومیتی و هویتی مختلف در سوریه و عدم ایجاد راهبرد یکپارچه در برابر بحران.

- ایفای نقش متوازن‌ساز در بحران سوریه از سوی مخالفین نظام.
- ایجاد ائتلاف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف و موافق نظام سوریه.
- دلایل زیر، فرضیه ورود سوریه به بحران فرسایشی را تضعیف می‌کند:
- عدم استقبال گروه‌های مختلف درگیر از فرسایشی شدن بحران.
- خستگی حاکم بر گروه‌ها و سوق آن‌ها به رویکرد مذاکره با نظام.
- هزینه سنگین فرسایشی شدن بحران برای حامیان طرف‌های درگیر.
- خطر تسری بحران به خارج از سوریه.
- عدم کنترل بحران و نامشخص بودن نتیجه آن.
- ایجاد مشکلاتی همچون مسئله آوارگان و ناامنی‌های مختلف.

۷-۲) تثبیت نظام سوریه

بقای اسد و برقراری ثبات و امنیت در سوریه از سناریوهایی است که قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح و پس از انتخابات تقویت شد. تا قبل از برگزاری انتخابات

ریاست جمهوری، مخالفین نظام سوریه در تلاش بودند تا در دو جبهه سیاسی و نظامی به تقابل با نظام سوریه پردازند. در جبهه نظامی سعی شد که از راه جنگ نیابتی یا همانند الگوی لیبی، غرب با پشتیبانی نیروی هوایی و مخالفین از راه زمین، زمینه‌های سقوط بشار اسد را فراهم کند. (غلامی، ۱۳۹۰: ۳۷۸۲۹) در عرصه سیاسی نیز تشکیل ائتلاف ملی معارضین به عنوان بدیلی برای نظام سوریه، به منظور تخریب وجهه نظام سوریه در داخل و خارج این کشور صورت گرفت. اما پیروزی ارتش سوریه در نقاط مختلف کشور و عقب راندن نیروهای معارض (Wimmen, 2014: 44) از یک سو و عدم همراهی چین و روسیه در قطعنامه ضدسوری برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع از سوی دیگر باعث شکست راهبرد نظامی مخالفین نظام سوریه شد. انتخابات ریاست جمهوری نیز راهبرد مشروعیت‌زدایی مخالفان را به چالش کشید؛ زیرا در جریان این انتخابات، مردم با مشارکت بالا به نظام سوریه و بشار اسد رأی دادند که این مسئله گویای این حقیقت است که برخلاف نظر مخالفان، بشار اسد از محبوبیت بالا برخوردار است.

علاوه بر این، برخی اقدام‌ها و کنش‌های رفتاری از سوی بشار اسد نشان از تلاش و عزم نظام برای کنترل و بحران دارد. نظام سوریه با شناسایی عوامل بحران‌زا در عرصه نظامی در وهله اول سعی کرد از ریزش و کاهش توان ارتش جلوگیری کرده و در وهله دوم این ریزش‌ها را با نیروهای مردمی جایگزین کند. راهبردی که به امنیت‌افزایی نقاط حساس در سوریه کمک کرد. در عرصه‌های دیگر دستور تدوین قانون اساسی جدید را صادر کرد که با مهر تأیید مردم همراه بود. در خصوص نارضایتی اقلیت‌های دینی نیز سیاست احترام و باور به تکرنگرایی را در دستور کار قرار داد. برای همگرایی جامعه دینی همچون جمعیت اهل تسنن و اخوانی، بشار اسد موافقت خود را با ادامه روند گسترش مراکز دینی همچون ساخت مساجد و مؤسسات آموزش عالی اسلامی اعلام کرد. (Wimmen, 2014: 49) مجموع این اقدامات باعث شد تا زمینه اتحاد در جامعه فراهم شود و این تفکر که «بحران سوریه منشاء خارجی دارد» در میان جامعه سوریه به باور عمومی تبدیل گردد. این مسئله گویای این است که اسد قادر خواهد بود اجماع داخلی را

علیه بحران خارجی ایجاد کند؛ زیرا سیاست‌های او نشان می‌دهد که در تلاش است تا نوعی همگرایی را میان اقوام و اقلیت‌ها و طرفداران خود ایجاد کند. البته این سیاست‌ها بعد از انتخابات ریاست جمهوری به نحو مؤثرتری نتایج خود را نشان داد. مؤلفه‌های زیر فرضیه ثبات و پیروزی اسد را تقویت می‌کند:

- هزینه بالای براندازی نظام و عدم اطمینان به نتیجه‌بخشی آن.
 - اختلاف مخالفین و عدم اتخاذ سیاست هماهنگ.
 - درگیری گروه تکفیری داعش در جبهه‌های مختلف و تلاش کشورهای مختلف همچون عراق و لبنان برای مقابله جدی با این گروه.
 - اختلاف ایدئولوژیک میان گروه‌های معارض و درگیری آن‌ها با یکدیگر و تضعیف آن‌ها.
 - حمایت نظامی روسیه در کنار حمایت کشورهای حامی و تقویت ارتش و افزایش روحیه ملی.
 - افزایش همگرایی اقلیت‌های دینی و قومی با نظام نسبت به اوایل شکل‌گیری بحران و کمک به تثبیت نظام اسد.
 - ایجاد این باور که نمی‌توان به دوران پس از اسد فکر کرد و کمک آن به تقویت روحیه ملی در میان نیروهای سوری و تضعیف روحیه معارضین.
- در شرایط کنونی مهم‌ترین فرضیه‌ای که در خصوص آینده نظام سوریه از آن می‌توان یاد کرد، تثبیت نظام و تلاش برای برقراری امنیت در این کشور است؛ راهبردی که هر چند بعد از انتخابات ریاست جمهوری به نحو جدی‌تر به آن پرداخته می‌شود ولی به نظر می‌رسد تحقق کامل آن نیاز به زمان دارد. البته برخی مسائل همچون کمک‌های مالی و لجستیکی در کنار اعمال فشارهای مختلف علیه حکومت سوریه، فرضیه مطرح شده را با ابهام مواجه می‌کند اما محتمل‌ترین گزینه در خصوص آینده نظام سوریه، بقای اسد و ایجاد امنیت در سوریه است.

نتیجه‌گیری

بحران ژئوپلیتیک سوریه از الگوی خاصی بهره می‌برد. الگویی که محصول هماهنگی مالی و لجستیکی جبهه غربی - عربی - ترکی برای ایجاد چالش است. بر همین اساس، توجه به نکات زیر گویای ابعاد بحران سوریه است:

۱- بحران سوریه، خودانگیخته نبود بلکه با دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد و تداوم یافته است.

۲- رژیم اسد به دلیل اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه در قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از جریان‌های مقاومت در فلسطین و لبنان از حمایت ملی و منطقه‌ای بهره می‌برد.

۳- بحران سوریه، مراحل اصلاحات، تحرکات نظامی و تلاش برای ثبات را داشته است که پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، نظام سعی می‌کند تا اوضاع را به سوی ثبات پیش ببرد.

۴- تحولات سوریه در شرایط کنونی حالت سیال به خود گرفته و هر روز بعد جدیدی به آن افزوده می‌شود که در شرایط جاری، پیشروی ارتش سوریه با حمایت کشورهای حامی است.

منابع

- دفتر مطالعات سیاسی، بین‌المللی (۱۳۸۷). کتاب سبز سوریه.
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۸). سیاست و حکومت در سوریه، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- نیاکوئی، امیر (۱۳۹۱). کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب (ریشه‌ها، پیامدها و اندیشه‌ها)، تهران: نشر میزان.
- ظهوریان، میثم (۱۳۹۰/۳/۱۱). کلاف سردرگم سوریه: <http://www.hamshahrionline.ir/print/136722>
- العربی، ۱۶/۰۲/۲۰۱۲، الدعوة لمناقشة مشروع دستور الجمهورية العربية السورية: <http://arabic.rt.com/news/578684>
- امیرعبداللہیان، حسین (۱۳۹۲). ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- النجار، احمدالسید. (۱۴۳۵/۷/۵). إعلان نتائج الانتخابات الرئاسية السورية اليوم و فوز الأسد محسوم: <http://www.ahram.org.eg/NewsQ/291843.aspx>
- العالم، (۹۳/۳/۱۴). بشار اسد بار دیگر رئیس‌جمهور سوریه شد: <http://fa.alalam.ir/special/236>
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۲). "پروژه خودگردانی کردهای سوریه: راهکار موقت یا راهبرد استراتژیک؟"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۰ مرداد: <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2130.aspx>
- دکمچیان، هرایر (۱۳۸۵). جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و حسین آجورلو (۱۳۹۲)، سیاست جدید رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.
- غلامی، تهمورث (۱۳۹۰). تحولات جاری در سوریه، مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح: <http://peace-ipsc.org/fa/%D8%A7%>

- Joya, Angela, 'Syria and the Arab Spring: The Evolution of the Conflict and the Role of the Domestic and External Fact.
- <http://www.theguardian.com/world/2012/aug/02/kofi-annan-resigns-syria-envoy>, Kofi Annan resigns as Syria envoy.
- <http://www.theguardian.com/world/2012/may/17/syria-opposition-rift-burhan-ghalioun>
- Zisser, Eyal, 2013, Alone at the Top: Bashar al-Assad and the Struggle for Syria, Strategic Assessment.
- Sullivan, Marisa, 2014, Hezbollah in Syria, www.Understandingwar.org.
- Shmuel, 2013, The Syrian Crisis: In the Wake of Ghouta, of foreign Affairs.
- Jenkins, Brian Michael, The Dynamics of Syria's Civil War, This electronic document was made available from www.rand.org as a public service of the RAND Corporation, 2014.
- England, Syria, Turkey, Israel and a Greater Middle East Energy War [Voltairenet.org](http://www.voltairenet.org), 13 September, 2014, accessed in <http://www.voltairenet.org/article175801.html>
- Janssen, Floor, Syrian in 2013 preparing for persistent turmoil, Netherlands Institute for International Relations.
- Chatham, Syria, Turkey and Iran: Regional Dynamics of the Syrian Conflict, Middle East and North Africa Programme Meeting Summary, December 2013, www.chathamhouse.org.
- Goodarzi, Jubin, Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing, Regional Environment, Ortadoğu Etütleri, Volume 4, No 2, January 2013
- Becker, Petra, Syrian Muslim Brotherhood, 2013, SWP Comments 34 realized by the Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP). The project is funded by the German Foreign Office.
- Wimmen, Heiko, 2014, Civil War in Syria, German Institute for International and Security Affairs.